

مشری کافه خیابان وسط

ملاقات با سیاست در سینما

مهرداد جتیی

● جنجال در جشنواره فیلم فجر چندان هم غافلگیرکننده نبود. شاید از آن رو که پیش‌تر ازاین‌دست وقایع رخ داده بود؛ اما هرگز تا این حد بازتاب نیافته بود. اتفاقاً نه‌تنها در جشنواره فجر که در جشن سینما هم چنین روح‌دای سابقه دارد. تعویض جوایز در آخرین دقائق مراسم اختتامیه از آن اتفاق‌های فراموش‌نشدنی این قبیل رخدادهاست؛ اما آنچه جشنواره امسال را قدری متمایز می‌کرد، تمایل برگزارکنندگان به جلب رضایت «جناح رقیب» بود. همان جناحی که در مدت نزدیک به چهار سال از زمان روی‌کارآمدن این دولت‌مدام از عملکرد آن اظهار نارضایتی کرده‌اند. همان‌هایی که پیش‌تر بر سر کار بودند تا با ریل‌گذاری سینما آن را به مسیر انقلاب بازگردانند؛ اما چرا این رویکرد حتی از سوی همان جناح هم با استقبال روبه‌رو نشد؟ هرچند که پیش از شروع جشنواره نشانه‌هایی از رضایت بروز داده شده بود. مثل اظهار رضایت روزنامه مشهور آن جناح که از «هیئت انتخاب جشنواره» تشکر کرده بود؛ اقدامی «کم‌سابقه که به نظر می‌رسد برگزارکنندگان را به رویکرد تازه‌شان امیدوار کرده بود. این رویکرد از جایی آغاز شد که وزیر جدید ارشاد در سفری به قم در دیدار با گروهی از مراجع به آنها تضمین داده بود که در جشنواره امسال هیچ فیلم‌مسئله‌داری به نمایش درنیاید و حتی تضمین داده بود که فیلم‌های ارزشی نسبت به دوره‌های پیش بیشتر شده باشند. به دنبال آن بود که حضوری‌ک روحانی در هیئت انتخاب فیلم‌های جشنواره به این پرسش دامن زد که آیا امسال جشنواره قصد خانه‌تکانی دارد؟ مصاحبه‌ای مشروح با این فرد روحانی در نخستین شماره بولتن جشنواره تا حدودی به این پرسش پاسخ داده است. او در معرفی خود و میزان آشنایی‌اش با سینما می‌گوید که با سینما آشنایی ندارد! فقط از آن رو به این هیئت پیوسته تا از وجه مذهبی و دینی، درباره فیلم‌ها نظر دهد؛ از زمان معرفی هیئت داوران هم واکنش‌ها گسترده بود. چنان‌که در دوره‌های قبل هم در مواردی به نوع چینش داوران اعتراض شده بود. مثل دوره‌ای که «حسن عباسی» به هیئت داوران اضافه شد تا منظر «فیلماسی» فیلم‌ها را داوری کند؛ اما هیاهو زمانی به اوج رسید که کاندیدایها می‌بیکه کاندیداتوری خود را به چالش کشیدند و آن را به ریشخند گرفتند. شبکه‌های اجتماعی هم این موضوع را دست گرفتند و به آن دامن زدند. آتش چنان شور شد که «سیمای جمهوری اسلامی» هم ترجیح داد از این نم‌د برای خود کلاهی بدوزد تا از قافله غصب نماند. «هفت» که از همان روز نخست برگزاری جشنواره کمر همت به ضدیت با سیاست‌های مدیران سینمایی گرفته بود، با عزمی دوچندان به برجسته‌کردن ضعف‌ها پرداخت. برشمردن نقاط ضعف جشنواره می‌توانست در روزهای پایانی دولت «امید» بسیاری از علاقه‌مندان به «روحانی» و تیم فرهنگی او را ناامید کند. در این کارزار که هواداران دولت پیشین چندان بی‌میل به دامن‌زدن به آن نبودند، قطعا نه دولت فعلی، بلکه سینما بازنده بود. آثار به‌نمایش درآمده هیچ‌یک در قواره سینمای ملی ما نبودند؛ سینمایی که از درون آن همواره آثار برجسته‌ای بیرون آمده و همگان را به تحسین واداشته است. اشتگی در برگزاری جشنواره بیش از آنکه به مدیران فرهنگی لطمه بزند، به سینما لطمه زد. دلسردکردن هواداران و دورکردن چهره‌های تأثیرگذار از پیام‌های این اتفاق بود. این شکل برگزاری جشنواره به این ابهام دامن زد که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دولت قصد دارد با سینما چه کند؟ بهتر است دولت تکلیفش را با سینما روشن کند.

گالری کردی

نمایشگاه آثار مهدی معتمدیان

● شرق:نمایشگاه آثار مهدی معتمدیان (دیان) با عنوان «چرک کف دست» که از روز پنجشنبه ۲۸ بهمن گشایش یافته است، امروز پنجشنبه پنجم اسفند در گالری «هان» شیراز پایان می‌یابد. ساعات بازدید در گالری هان که واقع در انتهای عقیاب‌آباد، نبش کوچه ۱۹، ساختمان ۱۵۶ است، عصرها ساعت ۱۷ تا ۲۰ خواهد بود.

شرق: ۶۵ نویسنده و هنرمند جهان به نامه اعتراضی انجمن «پن» آمریکا پیوستند که به حکم ترامپ در ممنوعیت ورود مسلمانان به این کشور، اعتراض کرده‌اند و در این نامه به حمایت از هنرمندان مسلمانی مانند اصغر فرهادی، راما حیدر و عمر سلیمان اشاره شده است. به گزارش نیویورک تایمز، ۶۵ نویسنده و هنرمند به حمایت از انجمن قلم آمریکا پیوسته‌اند، یک نامه سرگشاده برای رئیس‌جمهور ترامپ ارسال کرده‌اند و در آن از حکم اجرایی او مبنی بر ممنوعیت ورود شهروندان هفت کشور مسلمان به ایالات متحده انتقاد کرده‌اند و البته در آن به نام اصغر فرهادی، فیلم‌ساز ایرانی و سازنده فیلم فروشنده که نامزد دریافت جایزه اسکار است نیز اشاره کرده‌اند.

اتحاد در این نامه خواستار اقدامات بیشتر علیه ترامپ شده‌اند که به «پیشبرد آزادی و تبادل جهانی هنر و ایده‌ها» زیان می‌رساند. مارگارت اتوود، زادی اسمیت و فیلیپ راث از جمله نویسندگان جهانی هستند که در گروه ۶۵ نفره‌ای قرار گرفته‌اند که به قانون نژادپرستانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعتراض کرده‌اند.

طبق قانون موقتی که «ترامپ» اندکی پس از رئیس‌جمهورشدن وضع کرده، مسافران و مهاجران هفت کشور ایران، عراق، سومالی، سودان، سوریه، یمن و لیبی حتی با داشتن کارت سبز، حق ورود به ایالات متحده آمریکا را ندارند.

شرق: هشتمین برنامه هزارصدا در بخش موسیقی سنتی، ساعت ۱۵ روز جمعه شش اسفند در سالن اصلی فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌شود. در این برنامه استاد هادی منتظری به‌عنوان کارشناس موسیقی، حسین علیشاپور به‌عنوان کارشناس آواز و علیرضا بدیع به‌عنوان کارشناس شعر به بررسی و تحلیل اجرای گروه‌های شرکت‌کننده خواهند پرداخت. در برنامه‌های بخش موسیقی سنتی هزارصدا، چهار گروه موسیقی اصیل ایرانی ۱۰ دقیقه فرصت دارند آواز و تصنیفی را ارائه کنند. همچنین در این برنامه خواننده باسابقه موسیقی ایرانی، بهرام باجلان به‌عنوان خواننده میهمان قطعاتی را اجرا خواهد کرد. برنامه هزارصدا یک برنامه برای معرفی گروه‌ها و هنرمندان جوان و خوش‌آهنگ عرصه موسیقی است که در دو بخش موسیقی کلاسیک ایرانی و پاپ برگزار می‌شود و مدیریت و اجرای آن با آرش نصیری، مشاور رسانه‌ای و روزنامه‌نگار حوزه موسیقی است. بنابر اعلام نصیری، ۱۹ اسفند آخرین برنامه هزارصدا در سال ۹۵ و فینال هر دو بخش پاپ و سنتی بهار ۹۶ برگزار خواهد شد.

۶۵ نویسنده و هنرمند جهان نامه اعتراضی نوشتند

«فرهادی»، علیه «ترامپ»



نامه‌ای که از سوی مرکز «پن» آمریکا منتشر شده، از «ترامپ» خواسته‌اند این قانون را لغو کند. آنها این قانون را کاملاً در تضاد با منافع ملی آمریکا می‌دانند و در نامه خود از اصغر فرهادی، کارگردان ایرانی، نام برده‌اند که در اسکار امسال با فیلم «فروشنده»، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی شده؛ اما به خاطر وضع این قانون، مراسم اسکار را تحریم کرده است.

در این نامه همچنین به نام «عمر سلیمان»، موسیقی‌دان سوری، اشاره کرده‌اند که می‌توانست در مراسم مؤسسه موسیقی جهان نیویورک حضور پیدا

رونمایی از پوئم سمفونی تختی در فرهنگ‌سرای نیاوران

شرق: قسمت اول پوئم سمفونی تختی درباره «جهان‌پهلوان تختی» به‌عنوان یک اسطوره پهلوانی است. قسمت دوم درباره غلامرضا تختی به‌عنوان یک قهرمان بزرگ گشتی در جهان و قدرت فنی و بدنی و همچنین زورآوری این شخصیت ملی است و قسمت سوم راجع به ویژگی‌های شخصیتی پهلوان تختی و ارتباط عمیق و عاطفی این قهرمان بزرگ با مردم است که از تختی یک پهلوان می‌سازد، اما قسمت چهارم، مرگ جهان‌پهلوان تختی و مرثیه‌ای برای وی را روایت می‌کند.

این اثر از سوی ارکستر فیلارمونیک پراگ به رهبری استاد علی رهبری و به خوانندگی محمد معتمدی اجرا و ضبط شده است، این اثر در استودیو اس‌م‌جکی با مدیریت اجرایی باربد بیات ضبط شده، همچنین در این ضبط چند نفر از هنرمندان برجسته ایرانی هم با ارکستر فیلارمونیک پراگ همکاری داشته‌اند.

آیین رونمایی از پوئم سمفونی تختی عصر شنبه، هفتم اسفند از ساعت ۱۸:۳۰ در سالن خلیج‌فارس فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار می‌شود و حضور عموم علاقه‌مندان در این برنامه آزاد است.

گفت‌وگو با جواد عاطفه، نویسنده و کارگردان نمایش «خانم ایکس» قصه خانم ایکس، قصه خیانت است



تئاتر، درگیری جسم و تن و ذهن، توأمان با هم است. و مسئله و تفاوت دیگر، این است که وقتی سال‌ها تمرکز بر متن و خلوت‌گزینی، نویسندگی و ترجمی را تجربه کرده باشی، کار تیمی‌کردن بسیار سخت و دور از دسترس به نظر می‌رسد. چون اساس تئاتر بر مبنای یک رفتار و منش تیمی شکل می‌گیرد. رسیدن از آن انزوای خودخواسته به یک کار تیمی کار ساده‌ای نیست. از سوی دیگر، تولید تئاتر مستلزم صرف‌کردن هزینه‌هایی است که اگر نباشد، تئاتری روی صحنه نمی‌ود یا اگر هم به صحنه برسد، عقیم و گنگ است.

خانم ایکس یک داستان واقعی است؟ لطفاً کمی دراین‌باره توضیح دهید.

خانم ایکس قصه خیانت است! اما به آن شکل مستقیم که رویکرز زندگی کسی باشد؛ نه! می‌تواند قصه واقعی هرکسی باشد. این نمایش‌نامه بازخوانی نمایش‌نامه «قوی‌تر» استرنبرگ است. بخشی از ایده استرنبرگ بزرگ را گرفته‌ام و قصه و نمایش‌نامه خودم را بر آن اساس بنیان گذاشته‌ام. زن‌های تحقیرشده‌ای که در تمام عمرم دیده‌ام در این شخصیت؛ خانم ایکس، تبلور یافته‌اند؛ زن‌هایی به فراموشی سپرده‌شده، فداشده، ازبین‌رفته و رنجور از سرکوب‌ها، ندیده‌شدن‌ها و تنهایی؛ تنهایی‌ای عظیم؛ زن‌هایی شبیه نزدیک‌ترین آدم‌ها به ما، در خانواده من و ما!

خانم ایکس قصه‌ای چند روایتی است و برای روی‌صحنه‌رفتن قصه پیچیده‌ای دارد، به اختصار اگر بخواهید قصه را سراسر تعریف کنید، چه خواهید گفت؟

هنر

هنرمندان این کشورها به آمریکا، «صداهای اصلی خفه می‌شود و تفرق و درگیری‌های جهانی را شعله‌ور می‌کند، بدتر خواهد شد».

«سوزان نوسل»، رئیس «پن» آمریکا، نیز اظهار کرد: بستن درها برای هنرمندان، نویسندگان، موسیقی‌دانان و روشنفکران نه‌تنها به امن‌ترشدن آمریکا منجر نمی‌شود، بلکه نوعی انزوای فرهنگی با خود می‌آورد که بافت خلاقانه ملت ما در دچار گسست می‌کند. این نامه پس از انتشار بیانیه‌ای مشابه از سوی انجمن کتابخانه‌های آمریکا (ALA) رسانه‌ای شد. در این بیانیه که یک‌ماه قبل منتشر شده، آمده است: تمام ۱۲۰هزار کتابخانه ملی ما در مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و عمومی به تمام اعضای جامعه که شامل افراد رنگین‌پوست، مهاجر، کم‌توان و آسیب‌پذیر می‌شود، خدمات ارائه می‌کند و منابع آموزشی را در اختیارشان می‌گذارد، که این به تغییر شکل جوامع، بازشدن ذهن‌ها و ارتقا و تنوع منتج می‌شود.

در میان این‌ها نام، می‌توان از این‌ هنرمندان و نویسندگان یاد کرد؛ اورهان پاموک، مارگارت اتوود، خالد حسینی، فیلیپ راث، پل استر، جومیا لاهیری، توبیاس ولف، آن تایلر، لو گراسمن، نورمن راش، چانگ ری لی، جین اسمایلی، جانت مالکوم، فرانسن پرورز، پل مالون، دیوید هنری هوانگ، مارتین امیس، ساندرا سیسنروس، دیو اکرز، اندرو سلیمان، جانانا فرانزن، پاتریک استوارت، رابرت کارو، ریتا داو، آتیش کاپور، ریک مودی، سالی مان، مایکل چابون، آیلت والدمن و ...

چشم‌انداز دهمین جشنواره پویانمایی در ۵ بخش

شرق: آثار بخش «چشم‌انداز» دهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران در قالب پنج برنامه به نمایش گذاشته می‌شود. بنا بر گزارش اداره کل روابطعمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، آثار بخش «چشم‌انداز» در قالب پنج بخش «در سایش شعر به زبان انیمیشن»، «آفرینا روی خط استوا»، «برترین‌های گرافیک متحرک»، «هند: سرزمین رنگ‌ها» و «دوفیلم‌ساز از یک نسل» به نمایش در می‌آیند. براساس این گزارش؛ آثار بخش «چشم‌انداز» جشنواره پویانمایی با تأکید بر جنبه‌های آموزشی و اطلاعاتی انتخاب شده و به شیوه غیررقابتی و با گزینش از میان تولیدات کشورها مختلف نمایش داده می‌شود. در این بخش پرداختن به موضوع‌هایی مانند استعدادهای نوبا، تبیین جایگاه پویانمایی در آثار تبلیغی، مروری بر آثار یک فیلم‌ساز و مواردی از این دست مورد توجه قرار خواهد گرفت. دهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران از ۱۵ تا ۱۹ اسفند در تهران و ۳۲ سالان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر کشور برگزار می‌شود.

عاطفه پاکبازنیا، مترجم و پژوهشگر، همسر شماس، سابقه ایشان در بازیگری چه بوده و چطور برای یک بازی سنگین تک‌نفره به ایشان اعتماد کردید؟

در همان سال‌های دانشجویی عاطفه به‌عنوان بازیگر در چند نمایش به کارگردانی من بازی کرد و بعد هر دو به سمت مکتوبات ادبی و تئاتری رقتیم و از صحنه دور شدیم. در نمایش روزن که پیش‌تر گفتم در تئاتر شهر استکھلم روی صحنه بردیم، عاطفه هم نقشی را بازی کرد. در خردشش او در این نقش و قدرت بیان و بازی‌اش به‌واقع مرا متعجب کرد. از همان‌جا تصمیم گرفتم که از این پتانسیل بالا برای نقش‌ها و نمایش‌های دیگر هم استفاده کنم و اولین همکاری رسمی ما در ایران به‌عنوان کارگردان و بازیگر، در این نمایش اتفاق افتاد. این نمایش که چیزی حدود یک ساعت است، با قدرت بازی عاطفه و همراهی همکاران خوب و حرفه‌ای دیگرم روی صحنه جان گرفته است، اما نقش عاطفه در ساخت این فضای وهم‌گون و خاص انصافاً نقشی پررنگ و مهم است. البته باید اعتراف کنم که این نقش برای عاطفه نوشته شده و در حین تمرین‌ها هم بارهاوبارها ویرایش شده و تغییرکرده تا به متنی مناسب برای صحنه و بازی بازیگر آن بدل شود. از آنجا که عاطفه پاکبازنیا را تا تئاتری‌ها به‌عنوان مترجم آثار نمایشی می‌شناسیدم، این اجرا یک محک جدی برای بخش دیگری از توانایی‌های او است؛ بخشی سخت و جذاب که مانند در این حرفه قطعا استعداد و شعور و درک بالایی می‌خواهد. ایمان دارم که با بازی عاطفه در این نمایش، یک بازیگر قدرتمند و باشعور به تئاتر ما معرفی شده است.

ک مهم‌ترین ویژگی جذاب خانم ایکس برای مخاطب چه خواهد بود؟ خانم ایکس قصه هر زنی می‌تواند باشد. فرقی نمی‌کند زن ایرانی یا خارجی؛ هر زنی که از سوی جامعه و نزدیکانش نادیده گرفته شده و همه‌چیز؛ حتی ناشی از هم کسی نمی‌داند! زنانه که به آنها خیانت‌نامه را می‌دهد خیانت‌شدن به خود را دارند. در اجرای این نمایش سعی کرده‌ام تا با فضایی پرکنتراست و اکسپرسیونیستی ذهنیت زن را بیرون بکشم و آن را چون آینه‌ای در برابر مخاطب بگذارم. آمیدوارم این اتفاق به‌درستی افتاده باشد و ذهن مخاطب ما پس از مدت‌ها درگیر فضا و اتمسفر و داستان خانم ایکس باشد، امیدوارم!

یادداشت

«مدار بسته» درقاب کارگردان

رؤیاهای واقعی چند بازیگر جوان

پگاه طبسی**،ژاد** کارگردان تئاتر

● دعوت می‌شوم با یک سری بازیگر جوان کاری روی صحنه ببرم. مدتی بوده که روی نمایش‌نامه‌ای کار کرده‌اند؛ نمایش‌نامه‌ای براساس شاه‌لیر. هرچه به این بچه‌ها نگاه کردم، نفهمیدم چرا باید شاه‌لیر را ببرند روی صحنه. هرچه به آنها نگاه کردم کمتر شاه‌لیری در آنها دیدم، کمتر کردلیایی. خب آره خیلی‌ی کارا می‌شد کرد، به جور دیگری باید نگاه می‌کردیم تا بچه‌ها شاه‌لیر بشوند، کردلیا بشوند و بعد سؤال همیشگی‌ام پیدا شد: بهتری شاه‌لیر کیه؟ بهترین کردلیا چه ویژگی‌هایی دارد؟ چه صدایی دارد؟ چه شکلی است؟ چه چوری راه می‌رو؟ چطور نگاه می‌کند؟ به بچه‌ها نگاه می‌کردم و فکر می‌کردم در ذهن هرکدام از ما تصویری از شاه‌لیر و کاراکترهایش وجود دارد. این تصورات با محدودیت‌های فیزیکی و توانایی‌های بازیگری‌مان روی صحنه شکل می‌گیرد و بعد به مخاطبی نشان داده می‌شود که خودش با تصویری به دیدنش آمده. پس واقعا شاه‌لیربودن کجا شکل می‌گیرد؟ آیا جایی میان تصورات کارگردان و بازیگر و نویسنده و مخاطبه که شاه‌لیر جسمانیت می‌گیره؟ پس چقدر این شاه‌لیر غیرقابل‌اعتماد و تغییرپذیر است! از جامعه‌ای که جامعه دیگر، از تصویری در تصور دیگری می‌تواند تغییر کند. می‌تواند هر شکلی باشد. می‌تواند قدکوتاه یا قدبلند باشد، می‌تواند کچل باشد یا نباشد، می‌تواند پاش لنگ بزند یا اصلا خیلی هم رویا باشد، می‌تواند صداش شبیه خسرو شکیبایی باشد یا رضا کیانیان. آن‌وقت اگر رضا کیانیان بازی‌اش بشد، دختر کوچیکش، کردلیا، می‌تواند شبیه ترانه علیدوستی باشد، هم مشکي باشد، هم صداش همان‌طور باشد که صدای ترانه هست یا مثلاً شبیه ...

پکشنبه ۹۲/۱۲/۴

تصمیم گرفتم روی این تصورات کار کنم تا یک متن را براساس شاه‌لیر. تصور ما از یک نقش، تصور ما از شاه‌لیربودن، از کردلیابودن. دلم می‌خواست هویت این بازیگرهای جوان زیر نقش‌هایی که ممکن است به آنها بخورد، مخفی نشود. شروع کردیم. هم جذاب بود، هم خیلی سخت. کی بنویسد؟

دوشنبه ۹۲/۱۱/۳

پروژه خوابید! بودجه نبود. من ماندم و حوصم.

سه‌شنبه ۹۵/۰۱/۴

دوسال‌ویه‌ما گذشت. فروردین است. تصمیم گرفتم کارش کنم دوباره. شاه‌لیر را. چند صحنه نوشته شده بود، اما هنوز خیلی کار داشت. شروع کردم.

چهارشنبه ۹۵/۰۶/۵

کلی بازیگر جوان دیدم. زیاد. بلند، کوتاه، چاق، لاغر، بامزه، شاخ، حساس، رؤیایی، بی‌حوصله، صبور، با آرزوهای بزرگ و... با سختی زیاد ۱۰-

۱۱ نفرشان را انتخاب کردم، براساس یک ویژگی منحصربه‌فرد اولیه: پشتکارت! بعد ۹ تا نامدار

شدن که توانایی‌شان هم بالا بود. ۹ بازیگر آماده کار شدن.

پنجشنبه ۹۵/۰۷/۶

تمرین‌ها را شروع کردیم. پنج روز در هفته. گاهی چهار ساعت، گاهی پنج ساعت. تمرین‌ها خیلی سخت بود. به آنها گفتیم می‌خواهم ۹ تا غول بشوید روی صحنه. چرا گفتم غول نمی‌دانم! خواستم هیجان‌زده بشوند یا حتی متوجه قدرتی که می‌توانند در آن باشند، متعقدم اگر پشتکار و ذره‌ای استعداد باشد، در هر بازیگری غولی خوابیده است. می‌خواستم غولشان را بیدار کنم، به‌خاطرهمین خیلی بهشان سخت گرفتم. آنها هم هی می‌دیدند مثل اینکه ماجرا جدی است، کم نمی‌گذاشتند. صبور بودند و به‌شدت، به‌شدت، به‌شدت با پشتکار و باانگیزه، چی بهتر از این؟ متن هم داشت پیش می‌رفت خیلی به سختی و بی‌چیدگی و ولی هیجان‌انگیز بود. بازگیران قرار بود با هویت خودشان بروند روی صحنه و این برایشان، هم جذاب بود، هم ترسناک. کم‌کم شاه‌لیر حذف شد. هرچی می‌توانست جاش باشه. دنبال متنی بودم که مردم بیشتر باهاش آشنا باشند. شد فروشنده آرتور میلر که تو مرگ فروشنده فرهادی، تئاترش را بازی می‌کنتم. تصور فرهادی از ویلی لومان، شهبان حسینی بود و از لیندا لومان ترانه علیدوستی. تصورات شکل گرفتند و شکل گرفتند و شکل گرفتند تا رسیدیم به انتها به مدار بسته. شد اسم کار.

جمعه ۹۵/۱۱/۷

۹ بازیگر جلو ۹ دوربین مداربسته بازی می‌کنند و چیزی که تو صحنه می‌بینیم هم خودشان هست و هم تصویرشان. دارند ویدئویی برای تست بازیگری ضبط می‌کنند. بازی را با هویت خودشان شروع می‌کنند و از رؤیاهای بازیگری‌شان می‌گویند. رؤیاهای واقعی‌اند! دلشان می‌خواهد فروشنده را بازی کنند، شروع به بازی نقش‌ها می‌کنند، شروع به بازی تصور ما را نقش‌ها می‌کنند، رضا کیانیان می‌شوند، پیمان معادی می‌شوند، لیدا حاتم‌ی می‌شوند، آل پاچینو، کیت بلاشت، ماریون کوتیار ... بازی جدی و جدی‌تر می‌شود. ویدئویی که دارند ضبط می‌کنند هم پیچیده‌تر ...